

جزء نوزدهم

این جزء از آیه 21 سوره فرقان آغاز و تا آیه
55 سوره نمل ادامه دارد.

در این جز سوره فرقان و شعراء و بخشی از نمل قرار دارد.

ahlolbait.com

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ
 أَوْ نَرَىٰ رَبَّنَا ۗ لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا
 كَبِيرًا ﴿٢١﴾

و آنان که به دیدار [قیامت و محاسبه اعمال به وسیله] ما امید ندارند، گفتند: چرا بر ما فرشتگانی نازل نشد، یا [چرا] پروردگاران را نمی بینیم؟ به راستی که خودشان را در درون خود بزرگ شمردند و دچار سرکشی بزرگی شدند. (۲۱)

يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ
حِجْرًا مَحْجُورًا ﴿٢٢﴾

روزی که آنان فرشتگان را می‌بینند، آن روز برای مجرمان بشارتی نیست؛ و آنان [به فرشتگان] می‌گویند: [از شما درخواست داریم که ما را] امان دهید [و آسیب و گزند عذاب را از ما] مانع شوید. (۲۲)

وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً
مَّنْثُورًا ﴿۲۳﴾

و ما به [بررسی و حسابرسی] هر عملی که [به عنوان عمل خیر]
انجام داده‌اند، می‌پردازیم، پس همه آنها را غباری پراکنده
می‌سازیم. (۲۳)

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا ﴿٢٤﴾

اهل بهشت در آن روز، قرارگاهشان بهتر و استراحتگاهشان

نیکوتر است. (۲۴)

وَيَوْمَ تَشْقُقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا ﴿٢٥﴾

و [یاد کن] روزی را که آسمان به سبب ابری [که بر فراز آن است]

می شکافد و فرشتگان به تدریج [به صورتی ویژه] فرستاده شوند. (۲۵)

الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ ۚ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ
عَسِيرًا ﴿٢٦﴾

در آن روز فرمانروایی مطلق برای [خدای] رحمان ثابت
است، و بر کافران روزی بسیار دشوار است، (۲۶)

وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ
الرَّسُولِ سَبِيلًا ﴿٢٧﴾

و روزی که ستمکار، دو دست خود را [از شدت اندوه و حسرت
به دندان] می گزد [و] می گوید: ای کاش همراه این پیامبر راهی به
سوی حق بر می گرفتم، (۲۷)

يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا ﴿٢٨﴾

ای وای، کاش من فلانی را [که سبب بدبختی من شد] به

دوستی نمی گرفتم، (۲۸)

لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي ^{قُلِّ} وَكَانَ الشَّيْطَانُ
لِلْإِنْسَانِ خَدُولًا ﴿٢٩﴾

بی تردید مرا از قرآن پس از آنکه برایم آمد گمراه کرد. و شیطان
همواره انسان را [پس از گمراه کردنش تنها و غریب در وادی
هلاکت] وامی گذارد؛ (۲۹)

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ
مَهْجُورًا ﴿۳۰﴾

و پیامبر [در قیامت] می گوید: پروردگارا! همانا قوم من این

قرآن را متروک گذاشتند! (۳۰)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ ۗ وَكَفَىٰ
بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا ﴿٣١﴾

و ما این گونه برای هر پیامبری دشمنانی از مجرمان قرار دادیم، و کافی است که پروردگارت [برای تو] راهنما و یاری دهنده باشد. (۳۱)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَّاحِدَةً
 كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ ۖ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا ﴿۳۲﴾

و کافران گفتند: چرا قرآن یک باره بر او نازل نشد؟ این گونه [قرآن را به تدریج نازل می کنیم] تا قلب تو را به آن استوار سازیم، و آن را بر تو با مهلت و آرامی خواندیم. (۳۲)

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ
تَفْسِيرًا ﴿۳۳﴾

و [دشمنان] هیچ وصف و سخن باطلی بر ضد تو نمی آورند، مگر
آنکه ما حق را و نیکوترین تفسیر را [برای در هم شکستن آن] برای
تو می آوریم. (۳۳)

الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ
مَكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿۳۴﴾

همانان که [در قیامت] به رو در افتاده به سوی دوزخ محشور می شوند،

آنان بدترین جایگاه را دارند، و گمراه ترین مردم اند. (۳۴)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ
وَزِيرًا ﴿٣٥﴾

و به راستی به موسی کتاب دادیم، و برادرش هارون را همراه
او دستیار و کمک قرار دادیم. (۳۵)

فَقُلْنَا اذْهَبَا اِلَى الْقَوْمِ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَا هُمْ
تَدْمِيْرًا ﴿۳۶﴾

پس گفتیم: هر دو به سوی گروهی که آیات ما را تکذیب کردند، بروید. [آن گروه در برابر حق لجابت و تکبر ورزیدند] در نتیجه آنان را به شدت درهم کوبیده و هلاک کردیم. (۳۶)

وَقَوْمَ نُوحٍ لَمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَا هُمُ لِلنَّاسِ
 آيَةً ۖ وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿۳۷﴾

و قوم نوح را هنگامی که پیامبران را تکذیب کردند، غرق کردیم، و
 آنان را برای مردم نشانه‌ای [عبرت آموز] قرار دادیم، و برای
 ستمکاران عذابی دردناک آماده کرده‌ایم. (۳۷)

وَعَادًا وَثَمُودَ وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ
كَثِيرًا ﴿٣٨﴾

و قوم عاد و ثمود و اهل رس و اقوام بسیاری را [نیز که] در [فاصله]
میان آن [قوم نوح و اهل رس بودند، هلاک کردیم.] (۳۸)

وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ ۖ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا ﴿٣٩﴾

و برای هر یک [به جهت هدایتشان] سرگذشت‌های عبرت آموز
بیان کردیم، و [چون هدایت نیافتند] هر یک را به شدت در هم
شکستیم و هلاک کردیم. (۳۹)

وَلَقَدْ أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمْطَرْنَا عَلَيْهَا سَاءَ الْمَطَرِ فَأَفْلَمَ
يَكُونُوا يَرْوْنَهَا بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا ﴿٤٠﴾

یقیناً مشرکان مکه بر شهری که [محل زندگی قوم لوط بود و] بر آن باران عذاب
باریده شد، گذر کرده‌اند، پس آیا آنجا را ندیده‌اند؟ [چرا! دیده‌اند] ولی [عبرت
نگرفته‌اند، چون] برانگیخته شدن [مردگان] را [برای رسیدن به پاداش اعمال] امید و
انتظار ندارند. (۴۰)

وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُؤًا أَهَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ
رَسُولًا ﴿٤١﴾

و هنگامی که تو را می بینند جز به مسخره ات نمی گیرند [و می گویند]:
آیا این است آنکه خدا او را به پیامبری برانگیخته است؟! (۴۱)

إِنْ كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ آلِهَتِنَا لَوْلَا أَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ
 يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤٢﴾

اگر ما بر پرستش بتهایمان ایستادگی نمی کردیم، نزدیک بود ما را
 از پرستش آنها منحرف کند. سپس وقتی که عذاب را می بینند
 خواهند دانست که چه کسی گمراه تر است. (۴۲)

أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ
وَكِيلًا ﴿٤٣﴾

آیا کسی که هوای [نفسش] را معبود خود گرفته دیدی؟ آیا تو
می توانی کارساز و نگهبان او باشی [که او را به میل خود به راه
راست هدایت کنی؟] (۴۳)

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ ۚ إِنْ هُمْ إِلَّا
 كَالْأَنْعَامِ ۖ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤٤﴾

آیا گمان می‌کنی بیشتر آنان [سخن حق را] می‌شنوند، یا [در
 حقایق] می‌اندیشند؟ آنان جز مانند چهارپایان نیستند بلکه آنان
 گمراه ترند! (۴۴)

أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ
 جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا ﴿٤٥﴾

آیا به [قدرت و حکمت] پروردگارت ننگریستی که چگونه سایه را امتداد داد و
 گستراند؟ و اگر می خواست آن را ساکن و ثابت می کرد، آن گاه خورشید را
 برای [شناختن] آن سایه، راهنما [ی انسانها] قرار دادیم. (۴۵)

ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا ﴿٤٦﴾

سپس آن را [با بلند شدن آفتاب] اندک اندک به سوی خود

باز می‌گیریم. (۴۶)

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ
النَّهَارَ نُشُورًا ﴿٤٧﴾

و اوست که شب را برای شما پوشش، و خواب را مایه استراحت و آرامش، و روز را [زمان] پراکنده شدن [جهت فعالیت و کوشش]
قرار داد. (۴۷)

وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۗ وَأَنْزَلْنَا
مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا ﴿٤٨﴾

و اوست که باده‌ها را پیشاپیش [باران] رحمتش به عنوان مرثه دهنده باران
فرستاد، و از آسمان آبی پاک و پاک کننده نازل کردیم. (۴۸)

لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنْسَابًا

كَثِيرًا ﴿٤٩﴾

تا به وسیله آن سرزمینی مرده را زنده کنیم و آن را به
آفریده‌های خود از دام‌ها و مردمان بسیار بنوشانیم. (۴۹)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا هُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَآبَى أَكْثَرُ النَّآسِ إِآلآ
كُفُورًا ﴿٥٠﴾

ما باران را میان آنان [از منطقه‌ای به منطقه دیگر] گردانیدیم تا
متذکر [قدرت و رحمت من] شوند، ولی بیشتر مردم جز به
ناسپاسی و کفران رضایت ندادند. (۵۰)

وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا ﴿٥١﴾

و اگر می خواستیم حتماً در هر شهری [پیامبری] بیم دهنده
مبعوث می کردیم [ولی به سبب کمال و جامعیت، پیامبری را به تو

ختم کردیم.] (۵۱)

فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا ﴿٥٢﴾

پس کافران را [که انتظار دارند از ابلاغ وحی باز ایستی،] فرمان مبر و به

وسیله این [قرآن] با آنان جهاد [ی فرهنگی و تبلیغی] کن. (۵۲)

وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ
أَجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا ﴿۵۳﴾

و اوست که دو دریا را به هم آمیخت، این خوش طعم و گوارا، و
این شور و تلخ است، و میان آن دو مانع و حایل و سدّی
نفوذناپذیر و استوار قرار داد [تا به هم مخلوط نشوند.] (۵۳)

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا
وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا ﴿٥٤﴾

و اوست که از آب، بشری آفرید و او را دارای [دو نوع پیوند]
نسبی و سببی کرد؛ و پروردگارت همواره تواناست. (۵۴)

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ ۗ وَكَانَ
الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيرًا ﴿٥٥﴾

و به جای خدا چیزهایی می پرستند که نه سودشان می دهد و نه
زیانشان می رساند؛ و کافر همواره بر ضد پروردگارش پشتیبان و
یار [شیطان] است. (۵۵)

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٥٦﴾

تورا جز مژده رسان و بیم دهنده نفرستادیم. (۵۶)

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ
رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿۵۷﴾

بگو: من از شما [در برابر تبلیغ دین هیچ] پاداشی نمی خواهم،
جز اینکه هر که بخواهد [می تواند از برکت هدایت من] راهی به
سوی پروردگارش بگیرد. (۵۷)

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَىٰ
بِهِ بُدْءُوبِ عِبَادِهِ خَيْرًا ﴿٥٨﴾

و بر آن زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد توکل کن، و او را همراه با
ستایش تسبیح گوی، و کافی است که او به گناهان بندگانش آگاه
باشد. (۵۸)

الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ
ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۚ الرَّحْمَنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا ﴿٥٩﴾

همان که آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آنهاست در شش روز آفرید، آن گاه بر تخت فرمانروایی و تدبیر امور آفرینش چیره و مسلط شد، او رحمان است پس [ای انسان! درباره خدا و کیفیت آفرینش جهان هستی] از خبیر آگاهی بپرس. (۵۹)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ
 لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا ﴿٦٠﴾

و هنگامی که به آنان گویند: برای رحمان سجده کنید، می گویند:
 رحمان چیست؟! آیا برای چیزی که تو فرمان می دهی، سجده
 کنیم؟ و [دعوت تو] بر رمیدگی و نفرتشان می افزاید. (۶۰)

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا
وَقَمَرًا مُنِيرًا ﴿٦١﴾

همیشه سودمند و با برکت است آنکه در آسمان برج‌هایی قرار داد،
و در آن چراغی روشن و ماهی تابان پدید آورد. (۶۱)

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ
أَوْ أَرَادَ شُكُورًا ﴿٦٢﴾

و اوست که برای کسی که بخواهد متذکر [هوشیار حقایق] شود یا بخواهد
سپاس گزاری کند، شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد. (۶۲)

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا
خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ﴿۶۳﴾

و بندگان رحمان کسانی اند که روی زمین با آرامش و فروتنی راه
می روند، و هنگامی که نادانان آنان را طرف خطاب قرار می دهند
[در پاسخشان] سخنانی مسالمت آمیز می گویند، (۶۳)

وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا ﴿٦٤﴾

و آنان که شب را برای پروردگارشان با سجده و قیام به صبح

می‌رسانند، (۶۴)

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ
عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ﴿٦٥﴾

و آنان که می گویند: پروردگارا! عذاب [دوزخ] را از ما
بگردان که مسلماً عذاب آن پایدار و همیشگی است. (۶۵)

إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٦٦﴾

قطعاً دوزخ بد قرارگاه و بد اقامت گاهی است. (۶۶)

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ
قَوَامًا ﴿٦٧﴾

و آنان که وقتی انفاق می کنند، نه از حد معمول [و متعارف]
می گذرند و نه تنگ می گیرند، و [انفاقشان] همواره میان این دو در
حد اعتدال است. (۶۷)

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ
الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ
أَثَامًا ﴿٦٨﴾

و آنان که معبود دیگری را با خدا نمی پرستند، و کسی را که خدا
خونش را حرام کرده است، جز به حق نمی کشند، و زنا نمی کنند؛
و کسی که این اعمال را مرتکب شود به کیفر سختی برسد. (۶۸)

يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخَذُ فِيهِ مَهَانًا ﴿٦٩﴾

روز قیامت عذابش دو چندان شود، و در آن با خواری و

سرشکستگی جاودانه ماند. (۶۹)

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ
 سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿۷۰﴾

مگر آنان که توبه کنند و ایمان آورند و کار شایسته انجام دهند، که
 خدا بدی‌هایشان را به خوبی‌ها تبدیل می‌کند؛ و خدا بسیار
 آمرزنده و مهربان است. (۷۰)

وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا ﴿۷۱﴾

و هر که توبه کند و کار شایسته انجام دهد قطعاً به صورتی

پسندیده و نیکو به سوی خدا باز می‌گردد. (۷۱)

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا
كِرَامًا ﴿۷۲﴾

و آنان که در مجلس غنا و دروغ پردازی و امور باطل حاضر
نمی شوند، و هنگامی که بر گفتار و کردار لغو می گذرند، با
بزرگواری و متانت می گذرند، (۷۲)

وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا
وَ عُْمِيَانًا ﴿۷۳﴾

و آنان که وقتی به آیات پروردگارشان پندشان دهند، در برابر آن با
حالت کری و کوری نمی افتند، [بلکه با گوش شنوا و چشم
بصیرت به آن دل می دهند.] (۷۳)

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ
أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴿۷۴﴾

و آنان که می گویند: پروردگارا! ما را از سوی همسران و
فرزندانمان خوشدلی و خوشحالی بخش، و ما را پیشوای
پرهیزکاران قرار ده. (۷۴)

أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً
وَسَلَامًا ﴿٧٥﴾

اینانند که به خاطر صبری که [در برابر حوادث و اجرای تکالیف الهی] از خود نشان دادند با [برترین] مکان‌ها [ی بهشت] پاداششان می‌دهند، و در آن با درود و سلامی [از سوی خدا و فرشتگان] روبرو می‌شوند. (۷۵)

خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٧٦﴾

در آنجا جاودانه اند. نیکو قرارگاه و خوب اقامت گاهی است. (۷۶)

قُلْ مَا يَعْزُبُ عَنْكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ ^{صلى} فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ
يَكُونُ لِرَأْمَا * (۷۷)

بگو: اگر دعایتان نباشد پروردگارم به شما ارجی ننهد، پس شما
که [قاطعانه آیات خدا و پیامبرش را] تکذیب کردید، [کیفر این
تکذیب برای همیشه] ملازم [شما] خواهد بود. (۷۷)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

طسم ﴿۱﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

طسم (۱)

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿٢﴾

این است آیات [با عظمت این] کتاب روشنگر. (۲)

لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسًا أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿۳﴾

شاید تو می خواهی برای اینکه آنان ایمان نمی آورند، خود را

از شدت اندوه هلاک کنی! (۳)

إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا
خَاضِعِينَ ﴿٤﴾

اگر بخواهیم، معجزه‌ای بزرگ از آسمان بر آنان نازل می‌کنیم
که فروتنانه و بی اختیار در برابرش گردن نهند، (۴)

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ
مُغْرَضِينَ ﴿۵﴾

هیچ [مایه] تذکر جدیدی از سوی [خدای] رحمان برای
آنان نمی‌آید، مگر آنکه از آن روی گردان می‌شوند. (۵)

فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٦﴾

همانا [آیات و وعده‌های ما را] تکذیب کردند [تا جایی که آنها را به مسخره گرفتند] پس به زودی خبرهای [مهم] آنچه که آن را مسخره می‌کردند [از حقیقت آیات، وعده‌های ما و تحقق عذاب‌های دنیایی و آخرتی] به آنان می‌رسد. (۶)

أَوْلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ

كَرِيمٍ ﴿۷﴾

آیا [با تأمل] به این زمین ننگریستند که در آن چه بسیار از هر

نوع [گیاهان و درختان] نیکو رویانندیم؟ (۷)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً^ط وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۸﴾

یقیناً در این [رویانندن انواع نباتات] نشانه‌ای است [بر قدرت، ربوبیت
خدا و اینکه مردگان را زنده می‌کند] ولی بیشترشان [به خاطر رسوخ
کبر و لجاجت در باطنشان] ایمان آور نبوده و نیستند. (۸)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٩﴾

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر مهربان است. (۹)

وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنْ أَنْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۱۰﴾

[یاد کن] هنگامی را که پروردگارت موسی را ندا داد که خود

را به قوم ستمکار برسان. (۱۰)

قَوْمَ فِرْعَوْنَ ۚ أَلَا يَتَّقُونَ ﴿۱۱﴾

[به سوی] قوم فرعون [که به آنان بگویی:] آیا [از سرانجام شرک و

طغیان که خشم و عذاب خداست] نمی پرهیزید؟! (۱۱)

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ﴿١٢﴾

گفت: پروردگارا! به راستی می ترسم مرا تکذیب کنند، (۱۲)

وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَيَّ

هَارُونَ ﴿١٣﴾

و سینه ام [از این وظیفه سنگین] تنگی می کند، و زبانم روان و گویا نمی شود، پس به سوی هارون هم [پیام نبوت] بفرست [تا مرا در این وظیفه سنگین یاری دهد.] (۱۳)

وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ﴿١٤﴾

و آنان را بر من ادعای جرمی است که می ترسم [به سبب

آن] مرا بکشند. (۱۴)

قَالَ كَلَّا ۖ فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا ۖ إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ ﴿١٥﴾

[خدا] گفت: این چنین نیست [که فرعون بر تو پیروز شود] پس شما دو نفر معجزات ما را ببرید که یقیناً ما همراه شما شنونده [گفتار هر دو طرف] هستیم [پس شما دو نفر را بر پایه دلیل و برهان و معجزه بر آنان پیروز می کنیم.] (۱۵)

فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾

بنابراین خود را به فرعون برسانید و بگویید: یقیناً ما فرستاده

پروردگار جهانیانیم. (۱۶)

أَنْ أَرْسِلُ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٧﴾

با این وصف، بنی اسرائیل را [آزاد کن و] با ما بفرست. (۱۷)

قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ
سِنِينَ ﴿١٨﴾

[فرعون] گفت: آیا ما تو را در کودکی در میان خود نپروراندیم، و
سالیانی چند از عمر خود در میان ما درنگ نکردی؟ (۱۸)

وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿١٩﴾

و آن کارت را که کردی، کردی در حالی که از ناسپاسان

[زحمات و نعمت‌های ما] بودی. (۱۹)

قَالَ فَعَلْتُهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ ﴿۲۰﴾

گفت: آن را در آن زمان در حالی انجام دادم که بی خبر از این
واقعه بودم [که با مشیت من در دفاع از مظلوم، آن مرد قبطی کشته

می شود.] (۲۰)

فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي
مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿۲۱﴾

چون از شما ترسیدم از دستتان گریختم، پس [با این گریز از
عرصه زندگی ظالمانه شما این شایستگی را یافتم که] پروردگارم
به من حکمت بخشید، و مرا از پیامبران قرار داد. (۲۱)

وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٢٢﴾

آیا اینکه بنی اسرائیل را به بردگی گرفته‌ای نعمتی است که

منتش را بر من می‌نهی؟! (۲۲)

قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿۲۳﴾

فرعون گفت: پروردگار جهانیان چیست؟ (۲۳)

قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنْتُمْ

مُوقِنِينَ ﴿۲۴﴾

گفت: اگر باور می کنید همان پروردگار آسمانها و زمین و

آنچه میان آنهاست. (۲۴)

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ ﴿٢٥﴾

[فرعون از روی مسخره] به افراد پیرامونش گفت: آیا

نمی شنوید [که چه می گوید؟!] (۲۵)

قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿٢٦﴾

[موسی] گفت: [او] پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین

شماست. (۲۶)

قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ ﴿٢٧﴾

[فرعون] گفت: این پیامبرتان که به سوی شما فرستاده‌اند،

حتماً مجنون است! (۲۷)

قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ
تَعْقِلُونَ ﴿۲۸﴾

[موسی] گفت: پروردگار مشرق و مغرب و آنچه میان

آنهاست، اگر می اندیشید. (۲۸)

قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتُ إِلَهًا غَيْرِي لأَجْعَلَنَّكَ مِنَ
الْمَسْجُونِينَ ﴿٢٩﴾

[فرعون] گفت: اگر معبودی جز من بگیری، قطعاً تو را از زندانیان

[که زیر سخت ترین شکنجه اند] قرار خواهم داد. (۲۹)

قَالَ أَوْلُوْ جِنَّتِكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ ﴿۳۰﴾

[موسی] گفت: آیا اگر [بر صدق نبوتم] معجزه آشکاری

برایت آورده باشم [باز هم مرا به زندان می افکنی؟] (۳۰)

قَالَ فَأْتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿۳۱﴾

گفت: اگر راستگویی آن را بیاور. (۳۱)

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ﴿۳۲﴾

پس عصایش را انداخت و ناگهان ازدهایی

حقیقی نمایان شد، (۳۲)

وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ ﴿۳۳﴾

و دستش را [از گریبانش] بیرون آورد و ناگهان برای بینندگان

سپید و روشن بود. (۳۳)

قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ﴿۳۴﴾

[فرعون] به سران و اشراف پیرامونش گفت: یقیناً این

جادوگری بسیار ماهر و داناست! (۳۴)

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا
تَأْمُرُونَ ﴿۳۵﴾

می خواهد با جادویش شما را از سرزمینتان بیرون کند، پس
شما چه نظر می دهید؟ (۳۵)

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿٣٦﴾

گفتند: کار او و برادرش را به تأخیر انداز و گروهی گردآورنده

را به شهرها روانه کن، (۳۶)

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ ﴿۳۷﴾

تا هر جادوگر کاردان بسیار دانایی را نزد تو آورند. (۳۷)

فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿۳۸﴾

پس همه جادوگران را در وعده گاه روزی معین گرد آوردند، (۳۸)

وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ ﴿۳۹﴾

و به همه مردم گفتند: آیا شما هم اجتماع خواهید کرد؟ (۳۹)

لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِن كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ﴿٤٠﴾

به امید آنکه اگر جادوگران پیروز شدند، از آنان پیروی کنیم. (۴۰)

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّا لَنَا لِأَجْرًا إِن كُنَّا
نَحْنُ الْغَالِبِينَ ﴿٤١﴾

پس هنگامی که جادوگران آمدند، به فرعون گفتند: آیا اگر ما پیروز شویم، حتماً برای ما پاداشی شایسته خواهد بود؟ (۴۱)

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٢﴾

گفت: آری، و در آن صورت مسلماً از مقربان [درگاه]

خواهید شد. (۴۲)

قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ ﴿٤٣﴾

موسی به جادوگران گفت: بیفکنید آنچه را قصد دارید،

بیفکنید. (۴۳)

فَأَلْقُوا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ
الْغَالِبُونَ ﴿٤٤﴾

پس ریسمان‌ها و عصاهایشان را افکندند، و گفتند: به عزت
فرعون سوگند که به راستی ما به طور مسلم پیروزیم. (۴۴)

فَأَلْقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿٤٥﴾

پس موسی عصایش را افکند، ناگاه آنچه را جادوگران با
نیرنگ [و به صورت غیر واقعی] ساخته بودند، بلعید. (۴۵)

فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ ﴿٤٦﴾

پس جادوگران [از هیبت و عظمت این معجزه که یافتند
کاری خدایی است نه جادویی] به سجده افتادند. (۴۶)

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٧﴾

گفتند: ما به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم، (۴۷)

رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿٤٨﴾

پروردگار موسیٰ و ہارون. (۴۸)

قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ
 السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۚ لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ
 خِلَافٍ وَأَلْصِقَ بَنَاتِكُمْ بِأَمْهَاتِكُنَّ وَأَيُّهَا

فرعون گفت: پیش از آنکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید،
 حتماً او بزرگ شماست که جادوگری را به شما آموخته است، پس به
 زودی خواهید دانست که مسلماً دست‌ها و پاها را یکی از
 راست و یکی از چپ قطع خواهم کرد، و یقیناً همه شما را به دار
 خواهم آویخت. (۴۹)

قَالُوا لَا ضَيْرَ ۗ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ﴿۵۰﴾

گفتند: [در این شکنجه و عذاب] هیچ زیان و باکی [بر ما]

نیست، یقیناً ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم، (۵۰)

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ
الْمُؤْمِنِينَ ﴿٥١﴾

قطعاً ما امیدواریم که چون نخستین ایمان آورندگان [از این
قوم] بودیم، پروردگارمان خطاهای ما را بیامرزد. (۵۱)

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِيٰ إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ ﴿٥٢﴾

و به موسی وحی کردیم که بندگان مرا شبانه کوچ بده که

حتماً دشمنان از پی شما خواهند آمد. (۵۲)

فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنَ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿٥٣﴾

پس فرعون گروهی گردآورنده را [برای جمع کردن نیرو] به

شهرها فرستاد (۵۳)

إِنَّ هُوَ لَأَعْلَمُ لَشِرْذِمَةً قَلِيلُونَ ﴿٥٤﴾

[و گفت:] مسلماً اینان [که بر ضد من برخاسته‌اند]

گروهی اندکند، (۵۴)

وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ ﴿۵۵﴾

و همانا ما را همواره [با اعمالشان] به خشم می آورند، (۵۵)

وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَاذِرُونَ ﴿٥٦﴾

و ما گروهی هوشیار و آماده باش و مہیای دفاعیم. (۵۶)

فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٧﴾

پس ما آنان را [به دنیال بنی اسرائیل] از باغها و چشمه سارها [که نعمت‌های ما در سرزمین مصر بود] بیرون کردیم. (۵۷)

وَ كُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٥٨﴾

واز گنج‌ها و مکان‌های نیکو [و قصرهای باشکوه

بیرون کردیم]. (۵۸)

كَذٰلِكَ وَاُوْرَثْنٰهَا بَنِيۤ اِسْرٰئِيْلَ ﴿۵۹﴾

این گونه [نعمت‌های خود را از چنگ آنان بیرون آوردیم] و

آنها را به بنی اسرائیل به میراث دادیم. (۵۹)

فَاتَّبِعُوهُمْ مُشْرِقِينَ ﴿٦٠﴾

فرعونیان هنگام طلوع آفتاب آنان را دنبال کردند. (۶۰)

فَلَمَّا تَرَأَى الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا
لَمُدْرِكُونَ ﴿٦١﴾

چون آن دو گروه یکدیگر را دیدند، اصحاب موسی گفتند:
حتماً ما به چنگ آنان خواهیم افتاد. (۶۱)

قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٦٢﴾

موسی گفت: این چنین نیست، بی تردید پروردگارم با من

است، و به زودی مرا هدایت خواهد کرد. (۶۲)

فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ ۖ فَانْفَلَقَ
فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطُّوْدِ الْعَظِيمِ ﴿٦٣﴾

پس به موسی وحی کردیم که عصایت را به این دریا بزن. [موسی
عصایش را به دریا زد] پس [دریا] از هم شکافت و هر پاره اش
چون کوهی بزرگ بود. (۶۳)

وَأَزَلْفُنَا تَمَّ الْآخِرِينَ ﴿٦٤﴾

و آن گروه دیگر را [هم در آنجا] به دریا نزدیک کردیم، (۶۴)

وَأَنْجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ ﴿٦٥﴾

و موسی و هر که با او بود، همه را نجات دادیم. (۶۵)

ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ ﴿٦٦﴾

آن گاه آن گروه دیگر را غرق کردیم. (۶۶)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً^ط وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٦٧﴾

بی تردید در این سرگذشت عبرتی بزرگ وجود دارد، و [قوم

قبطی] بیشترشان مؤمن نبودند. (۶۷)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٦٨﴾

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و

مهربان است. (۶۸)

وَآتُلُّ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾

و سرگذشت مهم ابراهیم را بر آنان بخوان، (۶۹)

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ ﴿۷۰﴾

هنگامی که به پدرش و قومش گفت: چه چیز

را می پرستید؟ (۷۰)

قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُّ لَهَا عَاكِفِينَ ﴿۷۱﴾

گفتند: بت‌هایی را می‌پرستیم و همواره ملازم

پرستش آنها هستیم. (۷۱)

قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمۡ اِذۡ تَدْعُونَ ﴿۷۲﴾

گفت: آیا هنگامی که آنها را می خوانید، سخن شما

را می شنوند؟ (۷۲)

أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ ﴿۷۳﴾

یا به شما سود و زیانی می‌رسانند؟ (۷۳)

قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿۷۴﴾

گفتند: نه، بلکه پدرانمان را یافتیم که به این صورت

عبادت می کردند! (۷۴)

قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿۷۵﴾

گفت: پس آیا می دانید که آنچه می پرستید، (۷۵)

أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ ﴿٧٦﴾

هم شما و هم پدران پیشین شما (۷۶)

فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿۷۷﴾

هم آنان قطعاً دشمن منند [چون اگر آنها را بپرستم، مرا دچار عذاب جاودانه خواهند کرد]، جز پروردگار جهانیان [که پرستیدنش مایه سعادت همیشگی و جاودانی است]. (۷۷)

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿۷۸﴾

همان کسی که مرا آفرید و هم او مرا هدایت می کند، (۷۸)

وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ﴿۷۹﴾

و آنکه او طعامم می دهد و سیرابم می کند (۷۹)

وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿۸۰﴾

و هنگامی که بیمار می شوم، او شفایم می دهد (۸۰)

وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ ﴿۸۱﴾

و آنکه مرا می میراند سپس زنده ام می کند (۸۱)

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ ﴿٨٢﴾

و آنکه امید دارم روز جزا خطایم را بر من بیامرزد. (۸۲)

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿۸۳﴾

پروردگارا! به من حکمت بخش، و مرا به شایستگان

ملحق کن. (۸۳)

وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ﴿٨٤﴾

و برای من در آیندگان نامی نیک و ستایشی والا

مرتبه قرار ده، (۸۴)

وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ ﴿۸۵﴾

و مرا از وارثان بهشت پر نعمت گردان، (۸۵)

وَاعْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ ﴿٨٦﴾

و پدرم را بیامرز که او از گمراهان است، (۸۶)

وَلَا تُخْزِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ ﴿٨٧﴾

و روزی که [مردگان] برانگیخته می شوند،

رسوایم مکن؛ (۸۷)

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿٨٨﴾

روزی که هیچ مال و اولادی سود نمی دهد، (۸۸)

إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿۱۹﴾

مگر کسی کہ دلی سالم [از رذایل و خباث] به

پیشگاه خدا بیاورد، (۱۹)

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿۹۰﴾

و آن روز بهشت را برای پرهیزکاران نزدیک آورند، (۹۰)

وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ ﴿۹۱﴾

و آتش برافروخته را برای گمراهان آشکار کند، (۹۱)

وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿۹۲﴾

و به آنان گویند: آنچه را می پرستیدید، کجایند؟ (۹۲)

مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكَ أَوْ يَنْتَصِرُونَ ﴿٩٣﴾

[معبودانی را] به جای خدا؟! آیا شما را [برای رهایی از آتش]

یاری می دهند؟ یا از خود می توانند دفع عذاب کنند؟ (۹۳)

فَكُفِّبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ ﴿٩٤﴾

پس آن بت‌ها و گمراهان [که آنها را می‌پرستیدند] به رو در

آتش افروخته افکنده می‌شوند، (۹۴)

وَجُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ ﴿٩٥﴾

با همه سپاهیان ابلیس، (۹۵)

قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ ﴿٩٦﴾

در حالی که در آن [آتش افروخته] با هم ستیز و نزاع می کنند

[و به بتان] می گویند: (۹۶)

تَاللّٰهِ اِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿۹۷﴾

به خدا سوگند که ما در گمراهی آشکاری بودیم، (۹۷)

إِذْ نُسَوِّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۹۸﴾

که شما را با پروردگار جهانیان برابر و مساوی

قرار می دادیم، (۹۸)

وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ ﴿۹۹﴾

و ما را جز مجرمان [خائن] گمراه نکردند، (۹۹)

فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ ﴿۱۰۰﴾

در نتیجه برای ما نه شفیعانی است، (۱۰۰)

وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ ﴿۱۰۱﴾

و نه یک دوست نزدیک و صمیمی، (۱۰۱)

فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۰۲﴾

پس ای کاش برای ما بازگشتی [به دنیا] بود تا از

مؤمنان می شدیم. (۱۰۲)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً^ط وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۰۳﴾

بی تردید در این سرگذشت، عبرتی بزرگ وجود دارد، و [قوم

ابراهیم] بیشترشان مؤمن نبودند، (۱۰۳)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿۱۰۴﴾

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و

مهربان است. (۱۰۴)

كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٠٥﴾

قوم نوح پیامبران را تکذیب کردند، (۱۰۵)

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿۱۰۶﴾

هنگامی که برادرشان نوح به آنان گفت: آیا [از سرانجام شرک و

طغیان که خشم و عذاب خداست] نمی‌پرهیزید؟ (۱۰۶)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿۱۰۷﴾

بی تردید من برای شما فرستاده‌ای امینم، (۱۰۷)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۰۸)

بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید، (۱۰۸)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنِ أَجْرِي إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ
الْعَالَمِينَ ﴿۱۰۹﴾

و من از شما بر ابلاغ رسالتم هیچ پاداشی نمی خواهم،
پاداش من فقط بر عهده پروردگار جهانیان است، (۱۰۹)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۱۰)

بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید. (۱۱۰)

قَالُوا أَنْوْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَالُونَ ﴿۱۱۱﴾

گفتند: آیا ما به تو ایمان بیاوریم در حالی که فرومایگان از تو

پیروی کرده‌اند؟! (۱۱۱)

قَالَ وَمَا عَلِمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۱۲﴾

[نوح] گفت: مرا از آنچه آنان انجام می داده اند، چه اطلاعی

است؟ (۱۱۲)

إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي لَو تَشْعُرُونَ ﴿١١٣﴾

حسابشان اگر واقعاً درک می کنید، جز بر عهده

پروردگارم نیست، (۱۱۳)

وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۱۴﴾

و من طرد کننده مؤمنان نخواهم بود، (۱۱۴)

إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿۱۱۵﴾

من جز بیم دهنده‌ای آشکار نیستم. (۱۱۵)

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهَ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ ﴿۱۱۶﴾

گفتند: ای نوح! اگر [از ابلاغ دین] باز نایستی، یقیناً از

سنگسار شدگان خواهی بود! (۱۱۶)

قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ ﴿۱۱۷﴾

گفت: پروردگارا! همانا قوم من مرا تکذیب کردند، (۱۱۷)

فَأَفْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ
الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۱۸﴾

پس میان من و آنان چنانکه سزاوار است داوری کن و من و
کسانی که از مؤمنان با من هستند از چنگ آنان نجات ده. (۱۱۸)

فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ ﴿۱۱۹﴾

پس او و کسانی را که با او در آن کشتی مملو [از سرنشینان،

جنبندگان، متاع و ابزار] بود نجات دادیم، (۱۱۹)

ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ ﴿۱۲۰﴾

آن گاه بعد از آن، همه باقی ماندگان را غرق کردیم. (۱۲۰)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً^ط وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٢١﴾

بی تردید در این سرگذشت، عبرتی بزرگ وجود دارد، و [قوم

نوح] بیشترشان مؤمن نبودند، (۱۲۱)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿۱۲۲﴾

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و مهربان

است. (۱۲۲)

كَذَّبَتْ عَادٌ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾

قوم عاد پیامبران را تکذیب کردند، (۱۲۳)

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿۱۲۴﴾

هنگامی که برادرشان هود به آنان گفت: آیا [از سرانجام شرک و

طغیان که خشم و عذاب خداست] نمی‌پرهیزید؟ (۱۲۴)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٢٥﴾

بی تردید من برای شما فرستاده‌ای امینم، (۱۲۵)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۲۶)

بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید، (۱۲۶)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنِ أَجْرِي إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ
الْعَالَمِينَ ﴿١٢٧﴾

و من از شما بر ابلاغ رسالتم هیچ پاداشی نمی خواهم،
پاداش من فقط بر عهده پروردگار جهانیان است، (۱۲۷)

أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ ﴿۱۲۸﴾

آیا شما بر روی هر مکان بلندی به بیهوده کاری و بدون نیاز،

برجی عظیم و برافراشته بنا می کنید؟ (۱۲۸)

وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ ﴿۱۲۹﴾

و قلعه‌ها و کاخ‌های استوار و مجلل بر می‌گیرید، که شاید

جاودانه بمانید؟ (۱۲۹)

وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ ﴿۱۳۰﴾

و چون کسی را با شدت و قهر می گیرید ظالمانه و زورمدارانه
می گیرید [بدون اینکه در عاقبت کار بیندیشید.] (۱۳۰)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۳۱)

بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید، (۱۳۱)

وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ ﴿۱۳۲﴾

و از کسی که شما را به وسیله آنچه خود می دانید یاری داده،

پروا کنید، (۱۳۲)

أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ ﴿۱۳۳﴾

به وسیله چهارپایان و فرزندان، به شما یاری داده است.

(۱۳۳)

وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿۱۳۴﴾

و [به وسیله] بوستان‌ها و چشمه سارها، (۱۳۴)

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿۱۳۵﴾

بی تردید من بر شما از عذاب روزی بزرگ می ترسم. (۱۳۵)

قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ

الْوَاعِظِينَ ﴿۱۳۶﴾

گفتند: تو پند و اندرز دهی یا ندهی برای ما یکسان است!! (۱۳۶)

إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ ﴿۱۳۷﴾

این [پند و اندرزها و تقسیم امور به حلال و حرام] جز شیوه
پیشینیان [که اهل واپس گرایی و خرافات بودند] نیست، (۱۳۷)

وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ ﴿۱۳۸﴾

و ما گرفتار عذابی [که تو ما را از آن بیم می دهی]

نخواهیم شد. (۱۳۸)

فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ
مُؤْمِنِينَ ﴿۱۳۹﴾

پس او را تکذیب کردند، و در نتیجه هلاکشان کردیم. بی تردید
در این سرگذشت عبرتی بزرگ وجود دارد و [قوم هود] بیشترشان
مؤمن نبودند، (۱۳۹)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٤٠﴾

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و مهربان

است. (۱۴۰)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٤١﴾

قوم ثمود پیامبران را تکذیب کردند، (۱۴۱)

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿٤٢﴾

هنگامی که برادرشان صالح به آنان گفت: آیا [از سرانجام شرک و

طغیان که خشم و عذاب خداست] نمی‌پرهیزید؟ (۱۴۲)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٤٣﴾

بی تردید من برای شما فرستاده‌ای امینم، (۱۴۳)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۴۴)

بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید، (۱۴۴)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنِ أَجْرِي إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ
الْعَالَمِينَ ﴿١٤٥﴾

و من از شما بر ابلاغ رسالتم هیچ پاداشی نمی خواهم،
پاداش من فقط بر عهده پروردگار جهانیان است، (۱۴۵)

أَتُزَكُّونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ ﴿١٤٦﴾

آیا شما را در آنچه در این دنیا [از نعمت و رفاه هست] ایمن
و آسوده [از تغییر و زوال] رهایتان خواهند کرد؟! (۱۴۶)

فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٤٧﴾

در بوستان‌ها و چشمه سارها، (۱۴۷)

وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلَعُهَا هَضِيمٌ ﴿١٤٨﴾

و کشتزارها و درختان خرمايي که شکوفه‌هايشان انبوه و با

طراوت و لطيف است؟ (۱۴۸)

وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ ﴿١٤٩﴾

و ماهرانه و هنرمندانه از کوهها خانه‌هایی می‌تراشید؟ [به
امید آنکه از هر آسیبی حتی مرگ در امان بمانید!!] (۱۴۹)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۵۰)

بنابراین از خدا پروا کنید و مرا فرمان ببرید، (۱۵۰)

وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ ﴿١٥١﴾

و از فرمان اسراف گران اطاعت نکنید، (۱۵۱)

الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿١٥٢﴾

همانان که در زمین فساد می کنند و به

اصلاح گری نمی پردازند. (۱۵۲)

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ﴿١٥٣﴾

گفتند: جز این نیست که تو از جادوشدگانی، (۱۵۳)

مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَأْتِ بِآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنْ
الصَّادِقِينَ ﴿١٥٤﴾

تو جز بشری مانند ما نیستی، اگر راست می گویی

معجزه‌های بیاور. (۱۵۴)

قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿١٥٥﴾

گفت: این ماده شتری است [که به اذن خدا به عنوان معجزه من از
دل کوه بیرون آمد] سهمی از آب [این چشمه] برای او، و سهم
روز معینی برای شماست، (۱۵۵)

وَلَا تَمَسُّوْهَا بِسُوْءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ يَّوْمٍ عَظِيْمٍ ﴿١٥٦﴾

آسیبی به او نرسانید که عذاب روزی بزرگ شما را

فرا می گیرد. (۱۵۶)

فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا نَادِمِينَ ﴿١٥٧﴾

پس ناقه را پی کردند و [از کار خود] پشیمان شدند، (۱۵۷)

فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ
مُؤْمِنِينَ ﴿۱۵۸﴾

در نتیجه عذاب آنان را فرا گرفت. بی تردید در این سرگذشت، عبرتی
بزرگ وجود دارد و [قوم صالح] بیشترشان مؤمن نبودند، (۱۵۸)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٥٩﴾

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و مهربان

است. (۱۵۹)

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٦٠﴾

قوم لوط پیامبران را تکذیب کردند، (۱۶۰)

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٦١﴾

هنگامی که که برادرشان لوط به آنان گفت: آیا [از سرانجام شرک و

طغیان که خشم و عذاب خداست] نمی‌پرهیزید؟ (۱۶۱)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٦٢﴾

بی تردید من برای شما فرستاده‌ای امینم، (۱۶۲)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۶۳)

بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید، (۱۶۳)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنِ أَجْرِي إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ
الْعَالَمِينَ ﴿١٦٤﴾

و من از شما بر ابلاغ رسالتم هیچ پاداشی نمی خواهم،
پاداش من فقط بر عهده پروردگار جهانیان است، (۱۶۴)

أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٥﴾

آیا شما از میان جهانیان با مردان آمیزش می کنید؟! (۱۶۵)

وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ ۚ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ
عَادُونَ ﴿١٦٦﴾

و آنچه را پروردگارتان برای شما از همسرانتان آفریده رها می کنید؟ [برای این کار زشت بی سابقه، دلیل و برهان استواری ندارید] بلکه شما گروهی تجاوزکار [از حدود خدا و مرزهای انسانیت] هستید. (۱۶۶)

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهَ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ ﴿١٦٧﴾

گفتند: ای لوط! اگر [از تبلیغ دین] باز نایستی، حتماً تبعید

خواهی شد. (۱۶۷)

قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ ﴿١٦٨﴾

[لوط] گفت: بی تردید من از کار زشت شما به شدت

متنفرم. (۱۶۸)

رَبِّ نَجِّي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٩﴾

پروردگارا! مرا و خانواده ام را [از آثار، وزر و وبال] آنچه

انجام می دهند، نجات بده؛ (۱۶۹)

فَنَجِّينَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿۱۷۰﴾

پس ما او و خانواده اش همگی را نجات دادیم، (۱۷۰)

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ﴿١٧١﴾

مگر پیرزنی در [میان] باقی ماندگان، (۱۷۱)

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخِرِينَ ﴿۱۷۲﴾

سپس دیگران را نابود کردیم، (۱۷۲)

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا ۖ فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ ﴿۱۷۳﴾

و بارانی از سنگ گِل بر سر آنان بارانندیم؛ پس بد بود باران

بیم داده شدگان. (۱۷۳)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً^ط وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۷۴﴾

بی تردید در این سرگذشت عبرتی بزرگ وجود دارد و قوم

لوط بیشترشان مؤمن نبودند، (۱۷۴)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿۱۷۵﴾

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر

و مهربان است. (۱۷۵)

كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ ﴿۱۷۶﴾

مردم آیکه پیامبران را تکذیب کردند، (۱۷۶)

إِذْ قَالَ لَهُمُ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿۱۷۷﴾

هنگامی که شعیب به آنان گفت: آیا [از سرانجام شرک و طغیان که خشم و عذاب خداست] نمی‌پرهیزید؟ (۱۷۷)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٧٨﴾

بی تردید من برای شما فرستاده‌ای امینم، (۱۷۸)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۷۹)

بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید، (۱۷۹)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنِ أَجْرِي إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ
الْعَالَمِينَ ﴿١٨٠﴾

من از شما بر ابلاغ رسالتم هیچ پاداشی نمی خواهم، پاداش
من فقط بر عهده پروردگار جهانیان است، (۱۸۰)

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ ﴿١٨١﴾

پیمانہ را کامل بدهید و از کم فروشان نباشید، (۱۸۱)

وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ﴿۱۸۲﴾

و [متاع و کالا را] با ترازوی درست وزن کنید، (۱۸۲)

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ
مُفْسِدِينَ ﴿١٨٣﴾

و از قیمت اشیا و اجناس مردم به هنگام خرید نگاهید، و در
زمین تباهکارانه فتنه و آشوب برپا نکنید، (۱۸۳)

وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْأُولَىٰ ﴿١٨٤﴾

و از آنکه شما و امت‌های پیشین را آفرید پروا کنید. (۱۸۴)

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ﴿۱۸۵﴾

گفتند: جز این نیست که تو از جادوشدگانی، (۱۸۵)

وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِنْ نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿۱۸۶﴾

و تو جز بشری مانند ما نیستی، و بی تردید ما تو را از

دروغگویان می‌پنداریم، (۱۸۶)

فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِن كُنْتَ مِن

الصَّادِقِينَ ﴿۱۸۷﴾

پس اگر راست می‌گویی پاره‌هایی از آسمان را بر

ما فروریز. (۱۸۷)

قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۱۸۸﴾

[شعیب] گفت: پروردگارم به آنچه انجام می دهید،

داناتر است. (۱۸۸)

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ ۚ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ

عَظِيمٍ ﴿١٨٩﴾

پس او را تکذیب کردند؛ در نتیجه عذاب روز سایبان [یعنی روزی که ابری تیره و صاعقه زای سایه می اندازد] آنان را فرا گرفت، همانا آن عذاب روزی بزرگ بود، (۱۸۹)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً^ط وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٩٠﴾

بی تردید در این سرگذشت، عبرتی بزرگ وجود دارد؛ و قوم

شعیب بیشترشان مؤمن نبودند، (۱۹۰)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٩١﴾

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و مهربان

است. (۱۹۱)

وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۹۲﴾

و بی تردید این قرآن، نازل شده پروردگار جهانیان است،

(۱۹۲)

نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿١٩٣﴾

که روح الامین آن را نازل کرده است، (۱۹۳)

عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿۱۹۴﴾

بر قلب تو، تا از بیم دهندگان باشی، (۱۹۴)

بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ ﴿۱۹۵﴾

به زبان عربی روشن و گویا (۱۹۵)

وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٩٦﴾

و بی تردید [خبر] این [قرآن] در کتاب‌های پیشینان است. (۱۹۶)

أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٩٧﴾

آیا آگاهی دانشمندان بنی اسرائیل به خبر قرآن [در کتاب‌های
پیشینان] برای مشرکان نشانه‌ای [بر حقانیت قرآن و صدق نبوت
تو] نیست؟! (۱۹۷)

وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ﴿١٩٨﴾

و اگر آن را بر برخی از غیر عرب‌ها نازل کرده بودیم، (۱۹۸)

فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۹۹﴾

و او آن را بر عرب‌ها می‌خواند، باز هم به آن ایمان

نمی‌آوردند!! (۱۹۹)

كَذٰلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوْبِ الْمُجْرِمِيْنَ ﴿۲۰۰﴾

این گونه [که آن را به زبان عربی روشن و گویا نازل کردیم] در
دل های مجرمان درآوردیم [که آن را بفهمند و به آن ایمان آورند،]

(۲۰۰)

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿۲۰۱﴾

[ولی این بیمار دلان لجوج] به آن ایمان نمی آورند تا آن

عذاب دردناک را ببینند، (۲۰۱)

فَيَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٠٢﴾

که ناگهان در حالی که بی خبرند به سراغشان آید، (۲۰۲)

فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ ﴿٢٠٣﴾

پس [در آن موقعیت بسیار سخت] گویند: آیا ما

مهلت می‌یابیم؟ (۲۰۳)

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿٢٠٤﴾

آیا به آمدن عذاب ما شتاب می کنند؟ (۲۰۴)

أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ﴿٢٠٥﴾

پس خبر ده اگر ما آنان را سالیانی بهره مندی و

برخورداری دهیم، (۲۰۵)

ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿۲۰۶﴾

سپس آن عذابی که به آن تهدید می شدند، به سراغشان آید. (۲۰۶)

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمَتَّعُونَ ﴿٢٠٧﴾

آنچه را [چند سال] همواره از آن برخوردار می یافتند

[عذاب را] از آنان دفع نخواهد کرد، (۲۰۷)

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ ﴿۲۰۸﴾

و [مردم] هیچ شهری را نابود نکردیم مگر آنکه بیم

دهندگان برای آنان بود، (۲۰۸)

ذِكْرِي وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٢٠٩﴾

برای اندرز دادن و اتمام حجت؛ و ما هرگز ستمکار نبوده‌ایم

[که مردمی را بدون فرستادن پیامبر نابود کنیم.] (۲۰۹)

وَمَا تَنْزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ ﴿۲۱۰﴾

قرآن را شیطان‌ها نازل نکرده‌اند، (۲۱۰)

وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿۲۱۱﴾

و [نزول قرآن] سزاوار آنان نیست، و قدرت [وحی کردن

چنین کتابی را] ندارند، (۲۱۱)

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ ﴿۲۱۲﴾

بی تردید آنان از شنیدن [وحی الهی و اخبار ملکوتی]

محروم و برکنارند. (۲۱۲)

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ ﴿۲۱۳﴾

پس با خدا معبودی دیگر را میپرست، که از عذاب شدگان

خواهی شد. (۲۱۳)

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ﴿۲۱۴﴾

و خویشان نزدیکت را [از عاقبت اعمال زشت] هشدار ده، (۲۱۴)

وَإخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢١٥﴾

و پرو و بال [فروتنی و تواضع] خود را برای مؤمنانی که از تو

پیروی می کنند بگستر، (۲۱۵)

فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿۲۱۶﴾

پس اگر تو را نافرمانی کردند بگو: من از آنچه انجام

می دهید، بیزارم؛ (۲۱۶)

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿٢١٧﴾

و بر توانای شکست ناپذیر مهربان توکل کن، (۲۱۷)

الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ ﴿۲۱۸﴾

هم او که تو را هنگامی که [برای عبادت] می ایستی،

می بیند، (۲۱۸)

وَتَقَلُّبِكَ فِي السَّاجِدِينَ ﴿٢١٩﴾

و گردش و حرکت تو را در میان سجده کنندگان

[مشاهده می کند،] (۲۱۹)

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۲۲۰﴾

یقیناً او شنوا و داناست. (۲۲۰)

هَلْ أَنْبِئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنْزَلُ الشَّيَاطِينُ ﴿۲۲۱﴾

آیا شما را خبر دهم که شیطان‌ها بر چه کسانی

نازل می‌شوند؟ (۲۲۱)

تَنْزَلُ عَلَيَّ كُلِّ آفَاكٍ أَثِيمٍ ﴿۲۲۲﴾

بر هر دروغ پرداز گنه پیشه‌ای نازل می‌شوند، (۲۲۲)

يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ ﴿۲۲۳﴾

که گوش [بر القائات و اغواگری‌های شیطان] می‌سپرند، و

بیشتر شیطان‌ها دروغ‌گویند، (۲۲۳)

وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ﴿۲۲۴﴾

و [پیامبر، شاعر و خیال پرداز نیست، چون] شاعران [خیال پرداز] را [که حقایق را هجو می کنند، و با مطالب بی اساس به واقعیات می تازند] گمراهان، پیروی می کنند. (۲۲۴)

أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ ﴿۲۲۵﴾

آیا ندانسته‌ای که آنان در هر وادی [باطلی خیال پردازانه]

حیران و سرگردانند؟ (۲۲۵)

وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ ﴿۲۲۶﴾

و مطالبی می گویند که خود عمل نمی کنند، (۲۲۶)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا
 وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا ۗ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ
 مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴿۲۲۷﴾

مگر آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند و خدا را بسیار یاد کردند و پس از آنکه [با شعرهای باطل دشمنان، هجوئیات مشرکان و یاوه‌های کافران] مورد ستم قرار گرفتند [با شعرهای توحیدی و اصیل و استوار خود] به انتقام گرفتن [از دشمن و دفاع از خویش] برخاستند، و کسانی که ستم کرده‌اند، به زودی خواهند دانست که به چه بازگشت گاهی باز خواهند گشت؟! (۲۲۷)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طس ۛ تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ ﴿۱﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

طس این آیات [باعظمت] قرآن و کتابی روشنگر است، (۱)

هُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٢﴾

[که سراسر] هدایت کننده [انسان‌ها] و برای مؤمنان

مژده دهنده است. (۲)

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ
يُوقِنُونَ ﴿۳﴾

همانان که نماز برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند، و قاطعانه
به آخرت یقین دارند؛ (۳)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ
يَعْمَهُونَ ﴿٤﴾

به راستی کسانی که به آخرت ایمان ندارند، اعمال [زشتشان] را
در نظرشان آراستیم، پس همواره در حیرت و سرگردانی اند، (۴)

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ
الْأَخْسَرُونَ ﴿٥﴾

اینان کسانی هستند که عذاب سختی برای آنان است و بی
تردید آنان در آخرت زیانکارترین [مردم] اند. (۵)

وَإِنَّكَ لَتُلَقَّى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ ﴿٦﴾

یقیناً تو قرآن را از نزد حکیمی دانا فرا می گیری. (۶)

إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَاتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ
 أَوْ آتِيكُمْ بِسِهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٧﴾

[یاد کن] هنگامی را که موسی به خانواده اش گفت: به راستی من آتشی را از دور دیدم، به زودی خبری از آن برای شما می آورم، یا از آن شعله‌ای برگرفته به شما می‌رسانم تا خود را گرم کنید، (۷)

فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا
وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨﴾

پس هنگامی که نزد آن آمد، ندا رسید که پربرکت باد آنکه در آتش
است و آنکه پیرامون آن است، و منزّه و پاک است خدا که
پروردگار جهانیان است. (۸)

يَا مُوسَىٰ إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٩﴾

ای موسی! یقیناً منم خدای توانای شکست ناپذیر و حکیم، (۹)

وَأَلْقِ عَصَاكَ ۚ فَلَمَّا رَأَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا
وَلَمْ يُعَقِّبْ ۚ يَا مُوسَىٰ لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ
الْمُرْسَلُونَ ﴿١٠﴾

و عصایت را بیفکن. پس وقتی آن را دید که تند و شتابان حرکت می کند، گویا ماری باریک و تیزرو است، پشت کنان رو به فرار گذاشت و به پشت برنگشت. [ندا رسید: ای موسی! نترس که پیامبران [به سبب دارا بودن مقام عصمت و پاکی از گناه،] نزد من نمی ترسند، (۱۰)

إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ

رَحِيمٌ ﴿۱۱﴾

مگر کسی که ستم کند [که او باید بترسد]؛ ولی زمانی که پس از بدی نیکی را [که ایمان و کار شایسته است] جایگزین آن نماید [از عذاب من در امان است و نباید بترسد]؛ زیرا من بسیار آمرزنده و مهربانم، (۱۱)

وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ ۗ فِي
 تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا
 فَاسِقِينَ ﴿١٢﴾

و دستت را در گریبان کن تا بدون هیچ عیبی، سفید و درخشان
 بیرون آید، [با این دو معجزه که در ضمن] نه معجزه است به
 سوی فرعون و قومش [برو] که قطعاً آنان گروهی نافرمانند؛ (۱۲)

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿۱۳﴾

هنگامی که معجزات روشن ما به سویشان آمد، گفتند: این

جادویی آشکار است. (۱۳)

وَجَادُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤﴾

و آنها را در حالی که باطنشان به الهی بودن آن معجزات یقین داشت، ستمکارانه و برتری جویانه انکار کردند. پس با تأمل بنگر که سرانجام مفسدان چگونه بود؟! (۱۴)

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا^ط وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٥﴾

و یقیناً ما به داود و سلیمان، دانش [ویژه] دادیم، و آن دو گفتند:
همه ستایش‌ها ویژه خداست، همان که ما را بر بسیاری از بندگان
مؤمن خود برتری عطا کرده است، (۱۵)

وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ^ط وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلِمْنَا مَنطِقَ
 الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ^ط إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ
 الْمُبِينُ ﴿١٦﴾

و سلیمان وارث داود شد و گفت: ای مردم! [معرفت و آگاهی به] زبان و
 منطق پرندگان را به ما آموخته‌اند، و از هر چیزی [که به پیامبران و پادشاهان
 داده‌اند] به ما عطا کرده‌اند، یقیناً این امتیاز و برتری آشکاری است. (۱۶)

وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ
يُوزَعُونَ ﴿١٧﴾

و برای سلیمان، سپاهیان از پریان و آدمیان و پرندگان گردآوری شدند، [و آنان را از حرکت باز می داشتند] تا گروه های دیگر به آنان ملحق شوند؛ (۱۷)

حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ
 ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا
 يَشْعُرُونَ ﴿١٨﴾

[پس حرکت کردند] تا به وادی مورچگان درآمدند. مورچه‌ای
 گفت: ای مورچگان! به خانه‌هایتان درآید تا سلیمان و سپاهیان
 ناآگاهانه شما را پایمال نکنند. (۱۸)

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ
الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ
وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ﴿١٩﴾

پس سلیمان از گفته اش با تبسم، حالت خنده به خود گرفت، و [به سبب نعمت
فهم گفتار حیوانات] گفت: پروردگارا! به من الهام کن تا شکر نعمتی را که به من
و پدر و مادرم عطا کرده‌ای به جای آورم، و اینکه کار شایسته‌ای که آن را بپسندی
انجام دهم، و مرا به رحمت در میان بندگان شایسته ات درآور. (۱۹)

وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدُودَ أَمْ كَانَ مِنْ
الْغَائِبِينَ ﴿۲۰﴾

و [سلیمان] جویای پرندگان شد [و هدهد را در میان پرندگان
بارگاهش نیافت] پس گفت: مرا چه شده که هدهد را نمی بینم [آیا
هست و او را نمی بینم] یا از غایبان است؟ (۲۰)

لَا عَذِيبَهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لِيَأْتِيَنَّيَ بِسُلْطَانٍ

مُبِينٍ ﴿۲۱﴾

قطعاً او را عذابی سخت خواهم کرد یا [برای عبرت دیگر
پرنندگان] او را سر می برم، یا باید [برای غایب بودنش] دلیلی
روشن برایم بیاورد. (۲۱)

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ
 سَبَاٍ نَبَأًا يَقِينٍ ﴿۲۲﴾

پس [هدهد] زمانی نه چندان دور درنگ کرد [و با شتاب بازگشت،] پس
 گفت: [ای سلیمان!] من به چیزی آگاهی یافته ام که تو به آن آگاهی نیافته‌ای،
 و [من] از [سرزمین] سبا خبری مهم و یقینی برایت آورده ام. (۲۲)

إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا
عَرْشٌ عَظِيمٌ ﴿۲۳﴾

به راستی من زنی را یافتم که بر آنان حکومت می کند، و از هر
چیزی [که از وسایل و لوازم حکومت و قدرت است] به او داده اند
و تختی بزرگ دارد، (۲۳)

وَجَدْتُمَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيِّنَ
لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا
يَهْتَدُونَ ﴿٢٤﴾

او و قومش را یافتم که به جای خدا برای خورشید سجده می کنند
و شیطان، اعمال [زشتشان] را برای آنان آراسته و در نتیجه آنان را
از راه [حق] بازداشته است به این سبب هدایت نمی یابند، (۲۴)

أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿٢٥﴾

[و شیطان آنان را این گونه فریب داده] تا برای خدا سجده نکنند، همان که نهان در آسمان‌ها و زمین را بیرون می‌آورد و آنچه را پنهان می‌دارید و آنچه را آشکار می‌کنید، می‌داند. (۲۵)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿۲۶﴾

خدای یکتا که معبودی جز او نیست، پروردگار

عرش بزرگ است. (۲۶)

قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿۲۷﴾

[سلیمان به هدهد] گفت: به زودی [درباره ادعایت] تأمل و بررسی می‌کنم که آیا راست گفته‌ای یا از دروغگویانی، (۲۷)

اَذْهَبْ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا
يَرْجِعُونَ ﴿۲۸﴾

این نامه مرا ببر و به سوی آنان بیفکن، سپس به دور از دیدگان آنان
خود را کناری بگیر و بنگر چه پاسخی می دهند؟ (۲۸)

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ ﴿٢٩﴾

[ملکه سبا پس از آگاهی از مضمون نامه] گفت: ای سران و اشراف!

همانا نامه ای نیکو و با ارزشی به سوی من افکنده‌اند، (۲۹)

إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣٠﴾

یقیناً این نامه از سوی سلیمان است و سرآغازش به نام

خدای رحمان و رحیم است، (۳۰)

أَلَّا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ ﴿٣١﴾

و [مضمونش این است که] بر من برتری مجوید و همه با

حالت تسلیم نزد من آید. (۳۱)

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا
حَتَّى تَشْهَدُونِ ﴿۳۲﴾

گفت: ای سران و اشراف! در کارم به من نظر دهید تا شما نزد من حضور

داشتید، من [بدون شما] فیصله دهنده کاری نبوده ام. (۳۲)

قَالُوا نَحْنُ أَوْلُو قُوَّةٍ وَأَوْلُو بِأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ
فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ ﴿۳۳﴾

گفتند: ما دارای قدرت و مالک وسایل رزمی سختی هستیم،

پس بنگر چه فرمان می دهی؟ (۳۳)

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ
 أَهْلِهَا أَذِلَّةً ۖ وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٣٤﴾

گفت: همانا پادشاهان هنگامی که [با ابزار، ادوات جنگی و سپاهی
 رزمی] وارد شهری می شوند، آن را تباه می کنند و عزیزان اهلش را به
 ذلت و خواری می نشانند و [آنان] همواره چنین می کنند! (۳۴)

وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ
الْمُرْسَلُونَ ﴿۳۵﴾

من به سوی آنان هدیه‌ای [قابل توجه] می‌فرستم، پس با تأمل
می‌نگرم که فرستادگان با چه پاسخی بر می‌گردند؟ (۳۵)

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِيَ اللَّهُ خَيْرٌ
مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ ﴿۳۶﴾

هنگامی که [فرستاده ملکه سبا] نزد سلیمان آمد، [سلیمان] گفت: آیا مرا با مالی [اندک و ناچیز] یاری می‌دهید؟ آنچه خدا [از نبوت و حکومت و ثروت] به من عطا کرده، بهتر است از آنچه به شما داده [هدیه شما برای من شادی آور نیست]، این شماست که با هدیه خود شادمانی می‌کنید، (۳۶)

ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُم بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ
مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴿۳۷﴾

به سوی آنان بازگرد که ما حتماً با سپاه‌یانی به سوی آنان خواهیم آمد که
قدرت رویارویی با آن را ندارند، و آنان را در حالی که [در آن منطقه] حقیر و
بی ارزش شده‌اند، با خواری و ذلت از آنجا بیرون می‌کنیم. (۳۷)

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي
مُسْلِمِينَ ﴿٣٨﴾

[سلیمان] گفت: ای سران و اشراف! کدام یک از شما تخت او را پیش از

آنکه همگی به حالت تسلیم نزد من آیند، برایم می آورد؟ (۳۸)

قَالَ عَفْرَيْتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ
مَقَامِكَ ^ط وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ ﴿٣٩﴾

یکی از جنیان کاردان و تیزهوش گفت: من آن را پیش از آنکه از
مسند خود برخیزی نزد تو می آورم، و من بر این [کار] توانا و
امینم، (۳۹)

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ
 طَرْفَكَ ۚ فَلَمَّا رآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي
 لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ ۗ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۗ وَمَنْ
 كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ ﴿٤٠﴾

کسی که دانشی از کتاب [لوح محفوظ] نزد او بود گفت: من آن را پیش از آنکه
 پلک دیده ات به هم بخورد، نزد تو می آورم. [و آن را در همان لحظه آورد]. پس
 هنگامی که سلیمان تخت را نزد خود پابرجا دید، گفت: این از فضل و احسان
 پروردگار من است، تا مرا بیازماید که آیا سپاس گزارم یا بنده ای ناسپاسم؟ و هر
 کس که سپاس گذاری کند، به سود خود سپاس گذاری می کند و هر کس ناسپاسی
 ورزد، [زیانی به خدا نمی رساند]؛ زیرا پروردگارم بی نیاز و کریم است. (۴۰)

قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرُ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ
لَا يَهْتَدُونَ ﴿٤١﴾

گفت: تختش را [با تغییر دادن در زینت و آرایش] برایش ناشناس
کنید تا ببینیم آیا [به شناخت آن] راه می یابد، یا از کسانی است که
راه نمی یابند؟ (۴۱)

فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهْكَذَا عَرْشُكَ ۖ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ ۚ وَأُوتِينَا
 الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ ﴿٤٢﴾

پس زمانی که [ملکه سبا] آمد، گفتند: آیا تخت تو نیز این گونه است؟
 گفت: گویا این همان است!! و ما را پیش از این [به حقیقت و قدرت
 سلیمان] آگاه کردند و [همان زمان] تسلیم شدیم؛ (۴۲)

وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمِ
كَافِرِينَ ﴿٤٣﴾

چیزی را که [ملکه سبا] به جای خدا می پرستید او را [از تسلیم شدن به حق] بازداشته بود؛ زیرا او از گروه کافران بود [و در میان آنان رشد کرده بود و به روش و رفتار آنان خو گرفته بود.] (۴۳)

قِيلَ لَهَا ادْخِي الصَّرْحَ ۖ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ
 سَاقَيْهَا ۚ قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّنْ قَوَارِيرَ ۗ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي
 ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٤﴾

به او گفتند: به حیاط قصر درآی. هنگامی که آن را دید، پنداشت آبی فراوان [چون دریاچه] است، پس دامن جامه از دو ساق پایش بالا زد [که به خیال خود وارد آب شود]، سلیمان گفت: این محوطه‌ای است صاف و هموار از شیشه [نه از آب]. [ملکه سبا] گفت: پروردگارا! قطعاً من به خود ستم کردم، اینک همراه سلیمان، تسلیم [فرمان‌ها و احکام] خدا، پروردگار جهانیان شدم. (۴۴)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٥﴾

همانا به سوی قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم که خدا را پرستید. پس ناگهان آنان دو گروه [مؤمن و کافر] شدند که با یکدیگر نزاع و دشمنی می کردند. (۴۵)

قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا
تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٦﴾

گفت: ای قوم من! چرا بر عذاب و هلاکت، پیش از توبه و ایمان
شتاب می کنید؟! چرا از خدا درخواست آمرزش نمی کنید تا مورد
رحمت قرار گیرید؟! (۴۶)

قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ ۚ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ ۗ بَلْ
 أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ ﴿٤٧﴾

گفتند: ما به تو و همراهانت فال بد زده‌ایم [و شما را سبب بروز این همه مشکلات و بدبختی خود می‌دانیم]. گفت: سبب بروز مشکلات و بدبختی شما [طغیان و گناهان شماست که عکس‌العملش] نزد خداست، [ربطی به ما ندارد] بلکه شما گروهی هستید که [به مشکلات و مصایب] امتحان می‌شوید [شاید به این سبب توبه کنید و مؤمن شوید]. [۴۷]

وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةٌ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا
يُصْلِحُونَ ﴿٤٨﴾

در آن شهر نه نفر از اشراف و سران بودند که در آن فساد
می کردند و اصلاح گر نبودند، (۴۸)

قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا
 شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٤٩﴾

[آنان به یکدیگر] گفتند: هم قسم شوید که حتماً به صالح و خانواده اش
 شبیخون می‌زنیم [تا همه را نابود کنیم]، آن گاه به خون خواهش بگوییم: ما
 زمان هلاک شدن خانواده اش حضور نداشتیم و یقیناً راستگوییم. (۴۹)

وَمَكَرُوا مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿۵۰﴾

آنان نیرنگ مهمی به کار گرفتند و ما هم در حالی که بی خبر
بودند [با کیفر بسیار سختی] نیرنگ آنان را از بین بردیم. (۵۰)

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَا دَمَّرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ
أَجْمَعِينَ ﴿٥١﴾

پس با تأمل بنگر که سرانجام نیرنگشان چگونه بود؟ که ما آنان و
قومشان را همگی درهم کوبیدیم و هلاک کردیم. (۵۱)

فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ
يَعْلَمُونَ ﴿٥٢﴾

این خانه‌های آنان است که به سبب ستمشان [از سکنه] خالی مانده. بی تردید در این سرگذشت برای گروهی که معرفت و شناخت دارند، عبرتی بزرگ وجود دارد، (۵۲)

وَأُنَجِّينَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٥٣﴾

و آنان را که ایمان آوردند و همواره پرهیزکاری می کردند،

نجات دادیم. (۵۳)

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ
تُبْصِرُونَ ﴿٥٤﴾

و لوط را [یاد کن] هنگامی که به قومش گفت: آیا این عمل بسیار
زشت را در حالی که [وقت انجام دادنش با بی شرمی کامل به
هم] نگاه می کنید، مرتکب می شوید؟! (۵۴)

أَيْنَكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ ۚ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ
تَجْهَلُونَ ﴿۵۵﴾

آیا شما از روی میل و شهوت به جای زنان با مردان آمیزش
می‌کنید؟ [شما برای این کار زشت دلیل و برهانی ندارید] بلکه
شما گروهی نادان هستید. (۵۵)